

مقدمه

برنامه‌ریزی فضایی یکی از انواع برنامه‌ریزی است که علاوه بر داشتن تمام ویژگی‌ها، وجه فضایی نیز دارد. منظور از فضا در برنامه‌ریزی فضایی و آمایشی، فضای کارکردی است که از کنش متقابل بین عوامل انسانی (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، ایدئولوژی و غیره) و عوامل محیطی (انسان‌ساخت و طبیعی) در فرایند زمان، حاصل می‌شود؛ در واقع برنامه‌ریزی فضایی، مجموعه مفاهیم، دیدگاه‌ها و روش‌هایی است که برای ایجاد سازمان و ساختار فضایی مطلوب و دلخواه از آن استفاده می‌شود. برنامه‌ریزی فضایی به تعبیری نام دیگر برنامه‌ریزی آمایش سرزمین است. در عین حال آمایش سرزمین تنظیم رابطه بین فضا، انسان و فعالیت‌های او در سرزمین به منظور بهره‌برداری بهینه و پایدار از همه امکانات انسانی و فضایی است که برای بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماع در طول زمان به کار می‌رود؛ به عبارت دیگر آمایش سرزمین علم تخصیص منابع در برنامه‌ریزی اقتصادی و یا سازمان‌دهی مطلوب فضا است. همچنین آموزه‌های دینی، با ذکر ویژگی‌های زمین و بیان رابطه آن با انسان، موضوعات و ارزش‌های خاصی را مطرح می‌کند که علاوه بر بهره‌مندی مادی بر جنبه‌های کیفی زندگی انسان نیز توجه دارد و بیانگر فعالیت‌های انسان بر روی زمین برای برآوردن نیازهای مادی و معنوی‌اش و نیل به کمال، سعادت و رفاه دنیوی و اخروی است. از این دیدگاه آمایش سرزمین استفاده بهینه و عقلانی از ارزش‌های فضا به منظور کارکردهای مؤثر اقتصادی و اجتماعی است؛ لذا تقسیم کارکردهای فضایی سرزمین از جنبه‌های مهم آن تلقی می‌شود و تشخیص نوع توانمندی مناطق مختلف در آن اهمیت اساسی دارد و مبنای برنامه‌ریزی شناخته می‌شود. از منظری دیگر آمایش سرزمین روشی برای تأثیر گذاشتن بر توزیع آتی فعالیت‌ها در مکان تعریف می‌شود. در واقع این تعریف بر آمایش سرزمین با هدف ایجاد سازمان فضایی معقول‌تر به لحاظ بهره‌برداری از زمین و پیوندهای بین آن و متعادل ساختن تقاضا برای توسعه همراه با نیاز به حفاظت از محیط زیست دلالت می‌کند و در عمل دستیابی به هدف‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی امروز و فردا را به همراه دارد. در عین حال معیارهایی برای هماهنگی آثار فضایی دیگر سیاست‌های بخشی دارد تا بتواند به توزیع متناسب توسعه اقتصادی میان مناطق به‌گونه‌ای یکنواخت‌تر از آنچه به وسیله نیروهای بازار ایجاد خواهد شد، نائل شود و بتواند استفاده بهینه و بهره‌برداری از زمین را برای نسل‌ها و عصرها تنظیم نماید. در واقع در چهارچوب چشم‌اندازهای نو، برنامه‌ریزی آمایشی پیرامون چهار ایده اصلی شکل می‌گیرد: فضایی، پایداری، یکپارچگی و جامعیت. به این ترتیب، بعد فضایی نه تنها اهمیت بسیار دارد، بلکه جزء لاینفک برنامه‌ریزی‌های آمایشی و منطقه‌ای نیز تلقی می‌شود.

اینک از این منظر و با توجه به شرایط پر تحول کنونی، در برنامه‌ریزی‌های توسعه آتی نباید تنها به مباحثی همچون فناوری اطلاعات و توسعه آن، ارتقای شاخص‌های بهداشتی و آموزشی، احداث شبکه‌های زیربنایی، توسعه خدمات اجتماعی و مسائلی از این دست توجه شود؛ چرا که این‌ها از فضاهای قابلیت‌دار توسعه در شرایط آینده نیست، بلکه از جمله الزامات و مقدمات توسعه برای حضور فعال در جهان پرتلاطم آینده است؛ از آنجاکه در جامعه آینده ریشه‌های توسعه واقعی در مسائلی همچون رقابت‌های حضور در فضا، هوش مصنوعی، مهندسی ژنتیک و سلول‌های بنیادی، دنیای شگفت‌انگیز مجازی، بهره‌برداری از انرژی

هسته‌ای و انرژی‌های نو و سایر مسائل مشابه نهفته است و براساس نظر اکثر آینده‌پژوهان این دنیای شگفت‌انگیز در کمتر از 4 دهه آینده اتفاق خواهد افتاد. واقعیت امر این است که برنامه‌ریزی برای آینده براساس نیازهای فعلی یا کمبودهای خدماتی فعلی، سرمایه ملی مناسبی برای حضور موفق در جهان آینده نیست. برای ایفای نقش مؤثرتر در آینده ضروری است با تکیه بر رویکردهای جدید برنامه‌ریزی، به طور جدی پیشران‌های توسعه و تحولات آینده براساس مگاترندها و روندهای ناپیوسته، سناریوسازی شود و متناسب با قابلیت‌ها و توانمندی‌های جامعه به واکاوی مسائل چالش‌برانگیز کنونی و آینده بپردازیم و برای تأمین نیازهای امروز و حضور موفق در آینده برنامه‌ریزی کنیم. این امر یکی از رسالت‌های بزرگ برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمین تلقی می‌گردد؛ زیرا آمایش سرزمین با برنامه‌ریزی بهینه، به فضاآرایی متناسب با نیازهای نسل امروز منجر می‌شود و با به‌کارگیری مدل‌های تازه توسعه و با آینده‌پژوهی، ساخت فضاهای مناسب سرزمینی را در پی دارد. دانشمندان فهرستی برگزیده از اغلب روش‌های متداول و مورد استفاده در آینده‌پژوهی ارائه کرده‌اند که شامل: پایش، تحلیل روند، پایش روند، پیش‌بینی روند، سناریوها، نظرسنجی، طوفان فکری، مدل‌سازی، شبیه‌سازی، بازی‌ها، تحلیل تاریخی، چشم‌اندازسازی و غیره است. گرچه بسیاری از این روش‌ها، ابزاری برای پیش‌بینی غیرقطعی آینده است، صاحب‌نظران معتقدند بشر نیازمند توجه و هوشیاری در برابر پیش‌بینی‌هاست و اغلب، شایسته‌ترین کاری که می‌تواند انجام دهد، پیش‌بینی‌های احتمالی است؛ ولی واقعیت پیش‌بینی در عرصه آینده‌پژوهی را هم نباید انکار کرد؛ زیرا هدف آینده‌پژوهی، پیش‌بینی و گمانه‌زنی نیست، بلکه آفرینش آینده‌سازنده و خواستنی خواهد بود. در واقع می‌توانیم از راه نگرش اندیشمندانه به میزان احتمال شکل‌گیری رویدادها در آینده، برای رویارویی و کنش‌گری آماده شویم و پیشاپیش دلخواه و یا ناخواستنی بودن آن‌ها را بسنجیم. اینک اگر دریافت پیش‌بینانه‌ای از رویدادهای احتمالی داشته باشیم، در آن صورت شاید بتوانیم رفتاری را پیشه کنیم که احتمال تحقق آینده نامطلوب را کاهش و از سوی دیگر، اقبال آینده دلخواه و مطلوب را افزایش دهد. زیرا ما معتقدیم دانش، قدرت است؛ از این رو اگر بتوانیم آینده را پیش‌بینی و درک کنیم، می‌توانیم بر آن اثرگذار باشیم.

با توجه به اینکه مسئله آمایش سرزمین، اختصاص کاربری به قطعاتی از زمین با توجه به توان آن است که به تأمین هدف‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی خواهد انجامید، لذا برای رسیدن به هدف‌های آن هم از دیدگاه‌ها و روش‌های سنتی و هم روش‌های جدید می‌توان استفاده کرد؛ البته با این تفاوت که با توجه به پیچیدگی مسائل اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و غیره در دنیای امروز، تأکید بر روش‌های نو با استراتژی‌هایی که شامل استفاده از روش‌های کیفی، ارائه استراتژی‌های انعطاف‌پذیری و غیره است، شاید بتوان در حل مسائل مختلف محیطی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و در مجموع سامان‌دهی توسعه سرزمینی آن را به کار برد. از جمله رویکردهای تازه برنامه‌ریزی در آمایش سرزمین و آینده‌پژوهی مواردی چون: برنامه‌ریزی سناریو، الگوریتم ژنتیک، منطق فازی و غیره است که در این میان سناریوسازی از کاربردی‌ترین روش‌ها در برنامه‌ریزی‌های آمایشی و آینده‌نگاری است. زیرا سناریو توصیفی از جایگزین‌های موجه است که به بخش خاصی از آینده نظر دارد. در واقع چنین می‌توان گفت که سناریو، چهره آینده است، نه پیشگویی آن؛ زیرا هدف سناریوسازی، گسترش تفکر درباره آینده و عریض‌تر کردن متفاوت‌های جایگزین است که می‌تواند

مورد نظر ما باشد. سناریوها در واقع تلاش‌هایی است برای تجسم و بازنمایی رویدادهای ممکن آینده برپایه آنچه می‌دانیم یا آنچه تصور می‌کنیم می‌دانیم! از این رو می‌توان گفت استفاده از سناریوها به این دلیل مفید است که به ما کمک می‌کند تا نتایج و پیامدهای احتمالی تصمیماتمان را بدانیم. به همین دلیل آینده‌پژوهان برای توصیف رخدادهای احتمالی آینده از شیوه سناریوسازی استفاده می‌کنند. در برنامه‌ریزی‌های آمایشی و آینده‌پژوهی که مملو از عدم قطعیت است، سناریوها کاربرد ویژه و بسیار مهمی دارد و معمولاً چندین سناریو پرورنده می‌شود تا تصمیم‌گیران بدانند که ممکن است برخی رویدادهای آینده، سناریوی بسیار احتمالی را که مبنای برنامه‌ریزی آن‌ها بوده است، از اعتبار ساقط کند. امروزه در برنامه‌ریزی‌ها، سناریو یکی از مدل‌های تازه آمایش سرزمین و یک فرایند هنجاری است که در آن نیروی انسانی در ساخت آینده بسیار مهم است. انسان جایگاه بیرونی و مشاهده‌گر خود را تغییر داده و با مفهوم ساخت آینده روبه‌رو است. انسان با انواع گوناگونی از آینده‌ها شامل آینده‌های ممکن، آینده‌های محتمل و آینده‌های باور کردنی مواجه است که رسیدن به هر کدام از آن‌ها به سطح و کیفیت خواسته انسان یعنی آینده مطلوب وی بستگی دارد. اینک این کتاب از این منظر به بررسی موضوع آمایش سرزمین و کارکردهای مترتب بر آن با طرح ابعاد، کارکردها، سوابق تاریخی و اجرایی، رویکردها و مدل‌های برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، در هفت فصل به شرح ذیل پرداخته است.

در فصل اول، تعاریف، مفاهیم، ویژگی‌ها و ابعاد آمایش سرزمین مطرح، بررسی و تحلیل شده است. در فصل دوم چهارچوب مبانی، اصول و ضوابط آمایش سرزمین به تفصیل بحث و بررسی شده است. فصل سوم کتاب دربرگیرنده پیشینه‌ها و زمینه‌های آمایش سرزمین (برنامه‌ریزی فضایی) در جهان است که وضعیت آمایش سرزمین در کشورهای مختلف در آن تبیین شده است. در فصل چهارم تجارب جهانی اجرای طرح‌های آمایش سرزمین بررسی و به ابعاد و کارکردهای گذشته و کنونی آن در کشورهای اروپایی، آسیایی و امریکایی پرداخته شده است. در فصل پنجم اندیشه‌های برنامه‌ریزی و تحولات آمایش سرزمین در ایران مد نظر قرار گرفته و به صورت جداگانه، قبل و بعد از انقلاب اسلامی تحلیل شده است. در فصل ششم کتاب، رویکردها، نظریه‌ها و مدل‌ها در برنامه‌ریزی آمایش سرزمین تبیین و ابعاد و کارکردهای هر یک از رویکردهای سنتی و نو در برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، جداگانه بررسی و تحلیل شده است. در فصل هفتم، روش مطالعات آینده‌پژوهی و سناریونگاری در برنامه‌ریزی آمایش سرزمین که تازه‌ترین و مؤثرترین رویکرد برنامه‌ریزی و آینده‌نگاری است به تفصیل و با ذکر مثال‌های عینی و کاربردی در کشورمان، تحلیل و بررسی شده است.

در پایان از تمامی صاحب‌نظران، به خصوص جغرافی‌دانان و متخصصان حوزه برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین تقاضا داریم ما را از رهنمودهای سازنده و ارزشمند خویش بهره‌مند سازند تا در چاپ‌های بعدی بر غنا و ارزش علمی این کتاب بیفزاییم؛ همچنین جا دارد از زحمات سرکار خانم نیره منتظری که مسئولیت ویراستاری کتاب را برعهده داشته‌اند، صمیمانه تشکر نماییم.